

# «هو الحکیم»

عنوان:

تبیین احادیث «مَنْ يَمُتْ يَرِنِي» در خصوص امیر المومنین علیہ السلام.



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ الْمَوْلَانِ



『@SERATEHAGHI』

در روایاتی در خصوص آقا امیرالمؤمنین اومده که «امیرالمؤمنین در شبی در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بود، و همان شب در محضر بی بی حضرت زهرا سلام الله علیها بود، و همان زمان در محضر سلمان بود؛ در همان زمان چهل جا بود». چهل جا امیرالمؤمنین حضور داشت بدن امیرالمؤمنین! و چهل جا با مخاطب خودش به تناسب مخاطب خودش حرف های متفاوت می زد! یک سری روایت های این طوری داریم! جور دیگه مطرح بکنم؛ ما یک سری روایاتی داریم که هرکس که بخواهد بمیرد، در حالت احتضار چه مؤمن باشد چه کافر، همه امیرالمؤمنین رو می بینن! یعنی یک نفر هست که فرض بکنید که الان اونور دنیا کجاست؟ فرض بکنید که یونایتد استیتس، کانادا، اون جا یک نفر مسیحی در حالت احتضار، امیرالمؤمنین رو می بینه! اینور چی؟ ایران! یک نفر داره جون می ده امیرالمؤمنین رو می بینه! اون کسی که در یونایتد استیتس هست، حالا یا آدم خوبیه یا بدیه، اگر خوب باشه امیرالمؤمنین رو خندان می بینه! این کسی که در ایران هست اگر آدم بدی باشه یا خوب باشه، به تناسب اعمالی که داره امیرالمؤمنین رو خشنود می بینه یا ناراحت می بینه!

عزرائیل هم به این نگاه می‌کنه بدجور طرف رو قبض روح می‌کنه! همه امیرالمؤمنین رو می‌بینن. در مکان‌های مختلف امیرالمؤمنین رو می‌بینن! در حالات مختلف امیرالمؤمنین رو می‌بینن! این چی می‌شه؟ بگیم بدن مثالی امیرالمؤمنین هست، بالاخره این بدن مثالی فرض بکنید در آن واحد - این روایتی که می‌گم روایت صحیح‌السندی هست دارم خدمت‌تون عرض می‌کنم - در آن واحد فرض بکنید که افرادی در حالت احتضار هستند صد هزار نفر، نه اصلاً هزار نفر! هزار نفر کم‌تر، صد نفر! در ثانیه‌ای در حالت احتضار همه امیرالمؤمنین رو می‌بینن! یکی در فرانسه، یکی در آلمان، یکی آمریکاست، یکی افغانستان هست، یکی پاکستان هست، یکی سوریه‌ست، یکی لبنان هست، کشورهای مختلف با عقائد مختلفی که دارن، همه امیرالمؤمنین رو می‌بینن!

خب می‌گن آقا اون بدن مثالی هست! خب بدن مثالی درسته! بالاخره بدن مثالی بدن داره یا نداره؟ حالا بدنی داره که فقط محتضر می‌بینه بنده نمی‌بینم! این چطور می‌شه که در آن واحد همه امیرالمؤمنین رو می‌بینن؟ این روایت‌ها باید حل بشه!

ببینید جوابش اینه از صفاقی که برای خداوند متعال به ذات مطرح می‌شه این که کاری که خدا انجام می‌ده از کار دیگه اون رو باز نمی‌داره! خداوند وقتی توجه بکنه به شما توجهش از حسن قطع می‌شه؟ نه! توجهش نسبت به حسن هم هست! حسن که با خدا صحبت می‌کنه شما هم که صحبت می‌کنی، شما خانم هم که صحبت می‌کنی، خدا همه رو علم و آگاهی داره!

علم از مقوله‌ی کاشفیت هست برای خداوند! این بالذات هست؛ یعنی علمی هست که در مورد ذات خداوند هست. این قابلیت هست که در بطن و کتم خداوند هست به قائم هست این‌طوری هست، یعنی به ذات چنین بود.

اما نسبت به اولیاء الله به صورت طبیعی نیست، خدا این قابلیت رو می‌تونه به جمعی از اولیاء خودش اعطاء بکنه و اعطاء کرده! این اعطاء شده! یعنی چی؟ نسبت به آقا امیرالمؤمنین؛ یعنی امیرالمؤمنین می‌تواند در آن واحد به چهل نفر توجه بکنه! و به چهل نفر تولید صوت بکنه متناسب به اون پاسخ بده!

مثال دیگه‌ای می‌زنم؛ آقا هر کدوم از ما می‌ریم زیارت آقا  
 علی بن موسی‌الرضا. همه نشستیم، هزار نفر ده هزار نفر چه تو  
 ایران چه در حرم حضرت رضا علیه‌السلام، چه در اقصی نقاط  
 دنیا، با حضرت رضا علیه‌السلام با روح مطهر حضرت رضا  
 سلام‌الله‌علیه صحبت می‌کنن، امام رضا علیه‌السلام همه‌ی این‌ها  
 رو می‌شنوه! و حاجت همه‌ی این‌ها رو می‌ده! و سلامی هم که  
 می‌کنن جواب سلام همه‌ی این‌ها رو می‌ده! این می‌شه اراده‌های  
 بی‌شمار، به تعداد افرادی که به حضرت سلام کردن اراده  
 می‌کنه جواب بده! به تعداد افراد به زبان‌های مختلف؛ زن، مرد،  
 بچه، پیرمرد، پیرزن هر کی که باشه که صحبت می‌کنه، حضرت  
 رضا علیه‌السلام به هر زبانی باشه اشرف و آگاهی داره! به  
 تناسب بر او دعا می‌کنه بر حوائجش! اجابت می‌کنه سلام  
 و خواسته‌هایی که افراد دارن! این از ویژگی‌هایی هست که  
 خداوند به بعضی از اولیاء خودش اعطاء کرده! با این که امام رضا  
 علیه‌السلام ده هزار تا روح نداره! یک روح داره! ممکنه یک نفر  
 بگه روح بله اشرف علمی داره احاطه داره،

چطور می‌شه بدن این بدن عنصری و مادی امیرالمؤمنین که در کنار حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها بوده، خب این بدن که نمی‌تونه در آن واحد کنار پیامبر اکرم هم باشه! در محضر چند نفر دیگه باشه! پیش سلمان باشه! تو کوچه باشه! نمی‌تونه باشه این بدن هست دیگه! این چی بحث می‌شه؟ این رو بحث کردن؛ يك بدن مثالی، یعنی آقا امیرالمؤمنین چنین قابلیت داره که خلق به همت می‌تونه بکنه اصطلاحاً می‌گن؛ خلق بدن می‌تونه بکنه! امیرالمؤمنین می‌تونه خلق بدن بکنه؛ یعنی چی؟ یعنی امیرالمؤمنین اراده بکنه، به مانند همین بدن عنصری و مادی، ۳۹ تا بدن دیگه خلق بکنه و هر وقت هم بخواد چی بکنه؟ اشاره بکنه این‌ها دیده نشن! نابود بشن! چنین قابلیتی نسبت به ائمه هست! آیا این گیری داره؟ از لحاظ عقلی مشکل داره؟ خیر! چون قدرتش خدا داده به اذن الله! آیا آقا امیرالمؤمنین از همین بدنش خلق من شیء هم حساب بکنیم از همین بدنش از همین روحی که داره، می‌تواند ۳۹ تا بدن دیگه ایجاد بکنه؟ بله! می‌تواند! روح اشراف داره، احاطه داره! اما بدن چی؟ مثل این می‌مونه که ۳۹ تا بدن هست روح به ۳۹ تا بدن به چهل تا بدن داره دستور می‌ده، اشراف و احاطه داره! پس آیا می‌تونه؟ بله! هیچ استحالی عقلی نداره مشکل عقلی نداره!

در خصوص آقا امیرالمؤمنین خیلی اون روایات احتضار، متکلمین و فلاسفه خیلی به سر و کله می‌همدیگه زدن بفهمن چطور می‌شه! یادمه یکی از اساتید داشتم که گفتن بله، هر کسی که بمیره آقا امیرالمؤمنین رو می‌بینه؛ گفتم خب این چطور می‌شه؟ ایشان تحلیلش این بود، می‌گفت اون می‌خواد وارد مجرا و مجلای برزخ بشه؛ یک فرضش اینه! وقتی می‌خواد وارد بشه روح داره طی مسیر در حالت احتضار می‌کنه و روح به حلقوم می‌رسه، وقتی که روح به حلقوم می‌رسه و دیگه قبض روح صورت می‌گیره ﴿إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ﴾

به اون جا بخواد برسه، اون می‌رسه وارد برزخ که می‌شه، همون یک قنطره‌ای هست که بخواد ورود اون روح به عالم برزخ کنه امیرالمؤمنین رو می‌بینه. خب اشکالی که مطرح کردم اینه که خب امیرالمؤمنین باید همه رو به یک شکل ببینن، چرا امیرالمؤمنین رو متفاوت می‌بینن؟ آقا رو ناراحت می‌بینن آقا رو خشنود می‌بینن متفاوت هست. این یک جواب. اما مسئله رو بخوایم در نظر بگیریم، نه نیازی به این حرف‌ها نداریم!

بحث سر اینه که همچنان که آقا امیرالمؤمنین در عالم برزخ  
 هستن، در دنیا ۳۹ تا بدن خلق به همت داشتن ایجاد کردن،  
 ۳۹ تا بدن مثالی هم می‌تونن ایجاد بکنن! ۴۰ تا بدن مثالی!  
 صدتا، هزار تا بدن مثالی می‌تونن ایجاد بکنن و روح تعلق به  
 اون‌ها بگیره! و در حالت احتضار، امیرالمؤمنین رو با اون  
 بدن مثالی رؤیت بکنن! یعنی می‌خوام بگم عرض بنده اینه که  
 گیری نداره این مسئله! با این که نفس، نفس واحد هست خب  
 این استدلال‌هایی که این‌جا شد به چه صورت بود؟ احاطه‌ی  
 يك روح بر چهل تا بدن؛ این‌جا گیر چی بود؟ می‌گفتن آقا يك  
 روح لازمه‌اش اینه داخل دوتا بدن بشه، این محاله! نه! اشراف  
 اگر داشته باشه محال نیست! احاطه باشه محال نیست! پس  
 ببینید این استدلال‌ها رو حالا ما می‌خونیم در نقد تناسخ، اما  
 تمام این‌ها توش اشکال‌ها و انقالت‌هایی مطرح هست در جای  
 خودش، ما یعنی این‌ها رو می‌خونیم چیزی نمی‌گیم چون با  
 تناسخ جور نیستیم، دلیل بر این نیست که این استدلال‌هایی  
 که آقایون مطرح کردن بر رد تناسخ و این‌ها درسته! نه! قلت و  
 انقلت توش خیلی هست!